

پنجشنبه ۹ مرداد ۱۴۰۴
 وطن‌امروز | شماره ۴۳۷۸

اقتصادی

اخبار

چرا کارت‌های بانکی جایگزین کارت‌های سوخت نشده‌اند؟

نماینده مردم اصفهان در مجلس گفت قرار بود وزارت نفت، کارت‌های سوخت را با کارت بانکی جایگزین کند، چرا این کار انجام نشده است.

مهدی طغیانی روز گذشته در نشست علنی مجلس شورای اسلامی در تذکری به رئیس‌جمهور گفت: ما در سال جاری نزدیک به ۸ میلیارد دلار بنزین و گازوئیل وارد می‌کنیم. این ۸ میلیارد دلار نزدیک به ۵۰۰ همت می‌شود. تا چه زمانی در این مورد تصمیم‌گیری و چار‌اندیشی خواهد شد. کدام کشوری همانند کشور ما که درگیر جنگ است، ۸ میلیارد دلار بنزین و گازوئیل وارد می‌کند.

نماینده مردم اصفهان در مجلس ادامه داد: دولت با تاخیر فراوان سازمان بهینه‌سازی سوخت، دستورالعمل این تکلیف قانونی را ارائه کرد اما تدبیر هنوز روی زمین است. قرار بود وزارت نفت، کارت‌های سوخت را با کارت بانکی جایگزین کند. ۴۰ درصد سوخت‌گیری در پمپ‌های بنزین با کارت جایگاه انجام می‌شود که نتیجه آن قاچاق می‌شود.

طغیانی در ادامه درباره برداشت‌های غیرمجاز آب افزود: درباره برداشت غیرمجاز از بالادست رودخانه‌ها و چاه‌های غیرمجاز نیز وزارت نیرو تکلیف دارد که در رانده‌مرد تائیه‌ای ۱۰ متر آب غیرمجاز برداشت می‌شود که شامل ۷ میلیون نفر مصرف شرب است. باید از این رویه جلوگیری شود. همچنین لازم است کمیسیون کشاورزی موضوع تحقیق و تفحص‌ها و سوالات از وزرا را پیگیری کند که اگر انجام نشود، سلب اختیار نظارت نمایندگان است.

طغیانی بیان کرد: شهرستان ورزنه سال گذشته ۱۸ هزار تن گندم داشته است ولی امسال ۲ هزار تن دارد. کشاورزان چگونه زندگی کنند؟

■ ■ ■

تأکید بر حمایت همه‌جانبه از بازار سرمایه

در جلسه شورای عالی بورس که به ریاست وزیر امور اقتصادی و دارایی برگزار شد، ۲ موضوع روند و مسائل بازار و سهام عدالت بررسی شد.

طبق اعلام سازمان بورس، روز گذشته جلسه شورای عالی بورس به ریاست وزیر امور اقتصادی و دارایی برگزار شد. بخش عمده این جلسه به ۲ موضوع بررسی روند و مسائل بازار و سهام عدالت اختصاص یافت. در بخش نخست جلسه شورای عالی بورس، رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار گزارشی از روند بازار و متغیرهای بنیادی و تکنیکال اثرگذار بر بازار ارائه داد.

حجت‌الله صیدی با اشاره به لزوم توجه دستگاه‌های مسؤول به وضعیت شرکت‌ها و عملکرد ۳ ماهه اول امسال آنها، خواستار بازنگری در برخی سیاست‌ها و تصمیمات برای حمایت بیشتر از صنایع شد و بر پیگیری مستمر رفع مشکلات و موانع از صنایع و بنگاه‌های بورسی تأکید کرد. او با تأکید بر اینکه سیاست‌های حمایتی در بازار سرمایه با جدیت دنبال می‌شود، گفت: در کنار تداوم سیاست‌های متنوع حمایتی، فعالیت صندوق‌های تثبیت و توسعه برای تعادل و تثبیت بازار در هفته‌های آینده تداوم خواهد داشت.

البته این اقدامات و حمایت‌ها زمانی اثرگذاری حداکثری خواهند داشت که عوامل بنیادی اثرگذار بر بازار سرمایه بهبود یابند و در بخش حقیقی اقتصاد، شاهد اتفاق‌های خوب و سیگنال‌های مثبت باشیم.

صیدی درباره عملکرد صندوق‌های تثبیت و توسعه بازار نیز گفت: این ۲ صندوق به‌صورت شفاف و در چارچوب دستورالعمل‌های مصوب، سیاست‌های حمایتی را اجرایی کرده و می‌کنند.

سیدعلی مدنی‌زاده، وزیر امور اقتصادی و دارایی نیز در این جلسه با تأیید موارد مطرح‌شده، خواستار تداوم اطلاع‌رسانی شفاف درباره اقدامات صورت‌گرفته شد و بر حمایت همه‌جانبه وزارت اقتصاد از بهبود بازار و بر آورده ساختن انتظارات سرمایه‌گذاران تأکید کرد.

■ ■ ■

در بخش دیگر از جلسه شورای عالی بورس به موضوع سهام عدالت پرداخته و در گزارشی از برگراری مجامع شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی سهام عدالت، تاکید شد که به‌رغم پیگیری‌ها، هنوز مجامع برخی شرکت‌های استانی برگزار نشده است.

■ ■ ■

چشم‌انداز نگران‌کننده منابع آبی کشور در مرداد و شهریور

کشور یکی از خشک‌ترین دوره‌های تاریخی خود را سپری می‌کند و مسؤولان وزارت نیرو نسبت به افزایش تنش‌های آبی در بسیاری از استان‌ها هشدار داده‌اند و در این میان مرداد و شهریور، به عنوان پیک تابستان، با فشار مضاعفی بر منابع محدود آبی همراه شده و برخی استان‌ها در شرایط بسیار بحرانی قرار گرفته‌اند.

بر اساس ارزیابی‌ها، به جز بخش‌هایی از گیلان و مازندران، اغلب مناطق کشور درگیر بحران شدید آب هستند. استان‌هایی چون اصفهان، مرکزی، سیستان‌و بلوچستان و خراسان در جمله مناطقی هستند که با فشار مضاعف بر منابع آبی مواجهند و نیاز به تدابیر فوری دارند. اجرای طرح‌های اضطراری و اصلاح الگوهای بهره‌برداری، بخشی از راهکارهایی است که در دستور کار قرار گرفته تا از تابستان سخت امسال با حداقل چالش عبور شود.

مقامات وزارت نیرو تأکید دارند ایران با واقعیت اقلیم خشک سازگاری لازم را پیدا نکرده و این موضوع در نحوه مصرف آب بویژه در بخش کشاورزی به وضوح مشهود است. به‌رغم هشدارهای پی‌درپی درباره کاهش بارندگی و خشکسالی ۵ ساله، هنوز کاشت محصولات مصرفی مانند هندوانه در مناطق کم‌آب ادامه دارد؛ محصولی که نه‌تنها منابع آبی را تحلیل می‌برد، بلکه در عمل «آب مجازی» کشور را نیز صادر می‌کند.

بر اساس تحلیل‌ها، تنها یک سال در ۶ دهه گذشته شرایطی وخیم‌تر از امسال داشته‌ایم. منابع آب کشور اکنون به مرز هشدار رسیده و برای مدیریت مؤثر، نیاز به تغییرات ساختاری در نحوه کشاورزی و مصرف خانگی آب وجود دارد. کاشت چمن به عنوان یکی از گیاهان پرمصرف نیز همچنان در برخی مناطق رواج دارد، در حالی که گونه‌های مقاوم‌تری با نیاز آبی کمتر نیز در دسترس است.



لایحه حذف ۴ صفر از پول ملی

توسط کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی تصویب شد

ریال در مسیر اعتبار

نرم‌افزاری، آموزش عمومی و احتمال بروز سوءاستفاده در قیمت‌گذاری همراه است. در نهایت، موفقیت حذف ۴ صفر از پول ملی وابسته به طراحی هوشمندانه دوره گذار، شفافیت در اطلاع‌رسانی و هیزماتی آن با اصلاحات ساختاری اقتصادی خواهد بود. اگر این سیاست به درستی و با درایت اجرا شود، می‌تواند آغازی برای بازسازی اعتبار پول ملی و تقویت امید عمومی نسبت به بهبود شرایط اقتصادی کشور باشد.

بنابراین در مقطع کنونی تصویب لایحه حذف ۴ صفر از پول ملی در کمیسیون اقتصادی مجلس، بار دیگر این پرسش را در فضای عمومی و تخصصی مطرح کرده که آیا چنین اقدامی در شرایط فعلی اقتصاد ایران با تورم مزمن و ناترازی‌های ساختاری می‌تواند اثربخش باشد؟ پاسخ به این پرسش، نیازمند تفکیک میان ۲ نوع اقتصاد است: اقتصاد تورمی و اقتصاد غیر تورمی. تجربه جهانی نیز نشان می‌دهد حذف صفرها در این ۲ بستر، نتایج کاملاً متفاوتی به همراه دارد.

در اقتصاد تورمی، حذف صفرها معمولاً به عنوان واکنشی به کاهش شدید ارزش پول ملی و افزایش بی‌رویه سطح عمومی قیمت‌ها مطرح می‌شود. در چنین شرایطی، مردم اعتماد خود را به پول ملی از دست داده‌اند، معاملات با اقام نجومی انجام می‌شود و اسکناس‌های درشت عملاً جایگزین واحدهای خرد شده‌اند. حذف صفر در این فضا، بیشتر جنبه روانی دارد و هدف آن بازسازی نسبی اعتماد عمومی، تسهیل مبادلات و کاهش تورم پولی است.

اما اگر این اقدام بدون اصلاحات ساختاری مانند کنترل نقدینگی، کاهش کسری بودجه و تقویت استقلال بانک مرکزی انجام شود، نه‌تنها اثربخش نخواهد بود، بلکه ممکن است به تشدید تورم نیز بینجامد. نمونه‌های ناموفق مانند زیمبابوه و ونزوئلا گواهی بر این واقعیت‌اند؛ کشورهایی که بدون مهار تورم، صفرها را حذف کردند و در نهایت مجبور شدند دوباره صفرهای جدیدی به پول خود اضافه کنند.

در مقابل، اقتصاد غیر تورمی یا اقتصادهایی که تورم

کنترل‌شده و ثبات نسبی دارند، حذف صفرها را به عنوان بخشی از اصلاحات پولی و مالی انجام می‌دهند. در این کشورها، هدف اصلی از حذف صفر، ساده‌سازی محاسبات، افزایش کارایی نظام بانکی و ارتقای تصویر پول ملی در سطح بین‌المللی است. تجربه موفق برخی کشورها نشان می‌دهد اگر حذف صفرها پس از مهار تورم و در بستر اصلاحات اقتصادی انجام شود، می‌تواند به بازسازی اعتماد عمومی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و ارتقای جایگاه پول ملی منجر شود.

بنابراین، تفاوت اصلی در اجرای این سیاست در اقتصاد تورمی و غیر تورمی، در زمان‌بندی و بستر اجرای آن نهفته است. در اقتصاد تورمی، حذف صفر باید آخرین حلقه از زنجیره اصلاحات باشد، نه نخستین گام. در حالی که در اقتصاد غیر تورمی، این اقدام می‌تواند به عنوان یک ابزار تکمیلی برای بهبود کارایی و تصویر پول ملی به کار گرفته شود. در بررسی تأثیر حذف ۴ صفر از پول ملی ایران، ابتدا باید نگاهی به تجربه کشورهای دیگر داشت تا چشم‌انداز روشن‌تری از فرصت‌ها و مخاطرات این سیاست یافت. تجربه جهانی نشان می‌دهد حذف صفر از پول ملی، اگرچه در ظاهر اقدامی فنی و روانی است اما در عمل می‌تواند به نقطه عطفی در اصلاحات اقتصادی بدل شود به شرط آنکه با سیاست‌های مکمل و ساختاری همراه باشد.

در میان نمونه‌های موفق، ترکیه یکی از برجسته‌ترین مثال‌هاست. این کشور در سال ۲۰۰۵ با حذف ۶ صفر از لیر، واحد پول جدیدی به نام «لیر جدید» معرفی کرد. این اقدام پس از یک دوره اصلاحات مالی، کاهش تورم به زیر ۱۰ درصد و تثبیت نظام بانکی انجام شد. حذف صفرها در ترکیه نه‌تنها به ساده‌سازی مبادلات کمک کرد، بلکه اعتماد عمومی به پول ملی را نیز تقویت کرد و در نهایت به جذب سرمایه‌گذاری خارجی انجامید.

در مقابل، زیمبابوه نمونه‌ای از شکست در اجرای این سیاست است. این کشور در فاصله سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹، سه بار اقدام به حذف صفر کرد و در مجموع ۲۵ صفر از

در بازار غیررسمی به مرزهای آستانه‌ای بعضاً ۵۰ تا ۸۰ درصد

رسیده که این امر سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی را غیراقتصادی می‌کند.
نرخ بهره بالا نه‌تنها هزینه تأمین مالی را افزایش می‌دهد، بلکه سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی را کاهش داده و منابع را به سمت فعالیت‌های سوداگرانه و غیرمولد سوق می‌دهد. این وضعیت ساختار تولیدی اقتصاد را نیز مختل می‌کند.

■ **ضرورت تنظیم سیاست‌های پولی**
برای برون‌رفت از این وضعیت بحرانی، سیاست‌گذار اقتصادی باید رشد نقدینگی را متناسب با رشد اسمی تولید ناخالص داخلی تنظیم کند. به عبارت دیگر، هر قدر اقتصاد به لحاظ اسمی (شامل رشد قیمت‌ها و تولید) رشد می‌کند، نقدینگی نیز باید به همان نسبت افزایش یابد تا اقتصاد دچار کمبود نقدینگی نشود. این تناسب برای حفظ تعادل در اقتصاد ضروری است. اگر در شرایط رشد اسمی بالا، نقدینگی رشد نکند، اقتصاد دچار «خفگی» می‌شود که وضعیت فعلی اقتصاد ایران است.

■ **راهکارهای سیاستی پیشنهادی**

برای حل این مساله، چند اقدام سیاستی ضروری است:
اول، بانک مرکزی باید سیاست انقباضی شدید پولی را تعدیل و رشد نقدینگی را با رشد اسمی اقتصاد هماهنگ کند. این کار نباید با ترس از تورم متوقف شود، زیرا کمبود نقدینگی آثار مخرب دارد. برای این کار بانک ابزارهای فنی مشخصی در اختیار دارد که عبارت است از:

- کاهش نرخ ذخایر قانونی
- افزایش ضریب استفاده اعتباری از ذخایر قانونی در بازار بین بانکی

- افزایش حجم عملیات ربو (قرارداد باز خرید) و اعتباردهی قاعده‌مند توسط بانک مرکزی در بازار بین بانکی
- ایجاد خطوط اعتباری ترجیحی برای حمایت هدفمند و ارزان

این نرخ‌های بهره بالا فشار هزینه شدیدی بر تولیدکنندگان وارد و بسیاری از آنها را مجبور به خروج سرمایه از اقتصاد می‌کند(جدول)

■ **پیامدهای منفی بر مصرف‌کنندگان**
از سوزی دیگر، کاهش نقدینگی حقیقی، مصرف‌کنندگان را نیز شدیداً تحت تأثیر قرار داده است. خانوارها با کاهش قدرت خرید مواجه شده‌اند و نمی‌توانند نیازهای مصرفی خود را به طور مطلوب برآورده کنند. این وضعیت به پدیده «مصرف ناکافی» منجر شده که در نتیجه آن تقاضای مؤثر برای کالاها و خدمات کاهش می‌یابد.

کاهش تقاضا از سوسی مصرف‌کنندگان، چرخه‌ای معیوب را در اقتصاد ایجاد می‌کند. تولیدکنندگان که با کاهش تقاضا مواجهند، انگیزه کمتری برای افزایش تولید پیدا می‌کنند و در نتیجه کاهش تولید، اشتغال نیز کاهش می‌یابد که این امر درآمد خانوارها را بیشتر کاهش می‌دهد.

■ **شکاف تولید – مصرف و پیامدهای اجتماعی**
یکی از مهم‌ترین پیامدهای کمبود نقدینگی حقیقی، ایجاد «شکاف تولید – مصرف» در اقتصاد است. این شکاف زمانی رخ می‌دهد که خانوارها دچار «شکاف درآمد – هزینه» می‌شوند، یعنی درآمد آنها پاسخگوی نیازهای اساسی‌شان نیست. در چنین شرایطی، به‌رغم وجود ظرفیت تولید، تقاضای مؤثر برای محصولات وجود ندارد. این وضعیت، اقتصاد را به سمت رکود سوق می‌دهد و نارضایتی اجتماعی را تشدید می‌کند. مردم که قدرت خرید کمتری دارند، استاندارد زندگی‌شان کاهش می‌یابد و انتظارات آنها از بهبود اوضاع اقتصادی کاهش می‌یابد.

■ **تأثیر بر نرخ بهره و بازارهای مالی**
کمبود نقدینگی در اقتصاد مستقیماً بر نرخ بهره هم تأثیر می‌گذارد. زمانی که عرضه پول کمتر از تقاضا باشد، نرخ بهره در بازار آزاد بشدت افزایش می‌یابد. در حال حاضر، نرخ بهره

گروه اقتصادی: دیروز چهارشنبه کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی با تصویب لایحه حذف ۴ صفر از پول ملی، گامی تازه در مسیر اصلاحات پولی برداشت؛ اقدامی که بیش از آنکه تأثیر مستقیم اقتصادی داشته باشد، ماهیتی روانی، حساس‌بادری و تسهیل‌گر دارد. در سال‌های اخیر، افزایش تورم و کاهش ارزش پول ملی موجب شده بود واحد ریال در معاملات روزمره عملاً کارایی خود را از دست بدهد و مبادلات با ارقام بزرگ و نامأنوس، نه‌تنها محاسبات مالی را پیچیده، بلکه احساس بی‌اعتباری پول ملی را در جامعه تشدید کرده است.

حذف ۴ صفر از پول ملی می‌تواند تا حدی این تصویر ذهنی را تغییر دهد، به گونه‌ای که تبدیل «۱۰۰۰۰۰۰ ریال» به «۱۰ تومان»، اعتبار ادراکی پول ملی را تقویت کند و در معاملات روزمره، احساس ثبات بیشتری به مردم القا کند. از منظر روان‌شناسی اقتصادی، این اصلاح پولی به مثابه پیامی از سوی دولت تلقی می‌شود که درصدد مهار تورم و بازسازی اعتماد عمومی نسبت به نظام پولی و مالی کشور است.

آلبرت بغزیان، اقتصاددان در گفت‌وگو با «وطن امروز»، درباره تأثیر حذف ۴ صفر از پول ملی گفت: از مزایای این اقدام می‌توان به ساده‌سازی محاسبات مالی، کاهش هزینه‌های چاپ و نگهداری اسکناس، تسهیل در تجارت بین‌المللی و ارتقای انسجام حسابداری اشاره کرد. همچنین در دوره‌ای که افکار عمومی با اعداد نجومی همچون «۲۰۰ میلیون ریال برای یک گوشی موبایل» مواجه است، کوچک‌سازی واحد پولی می‌تواند حس روانی مثبتی در کاهش انتظارات تورمی ایجاد کند.

وی با بیان اینکه حذف صفرها به‌تنهایی نمی‌تواند به کنترل تورم یا افزایش قدرت خرید منجر شود، افزود: تورم پدیده‌ای ساختاری است که نیازمند مجموعه‌ای از سیاست‌های مکمل چون کنترل نقدینگی، کاهش کسری بودجه، افزایش بهره‌وری و استقلال بانک مرکزی است. همچنین اجرای این سیاست با هزینه‌های جانبی نظیر طراحی و چاپ اسکناس جدید، به‌روزرسانی زیرساخت‌های

وی با بیان اینکه حذف صفرها به‌تنهایی نمی‌تواند به

کنترل تورم یا افزایش قدرت خرید منجر شود، افزود:

تورم پدیده‌ای ساختاری است که نیازمند مجموعه‌ای از

سیاست‌های مکمل چون کنترل نقدینگی، کاهش کسری

بودجه، افزایش بهره‌وری و استقلال بانک مرکزی است.

همچنین اجرای این سیاست با هزینه‌های جانبی نظیر

طراحی و چاپ اسکناس جدید، به‌روزرسانی زیرساخت‌های

وی با بیان اینکه حذف صفرها به‌تنهایی نمی‌تواند به

کنترل تورم یا افزایش قدرت خرید منجر شود، افزود:

تورم پدیده‌ای ساختاری است که نیازمند مجموعه‌ای از

سیاست‌های مکمل چون کنترل نقدینگی، کاهش کسری

بودجه، افزایش بهره‌وری و استقلال بانک مرکزی است.

همچنین اجرای این سیاست با هزینه‌های جانبی نظیر

طراحی و چاپ اسکناس جدید، به‌روزرسانی زیرساخت‌های

ادامه از صفحه اول
■ **وضعیت بحرانی نقدینگی حقیقی در اقتصاد ایران**
تحلیل‌های اقتصادی نشان می‌دهد حجم نقدینگی حقیقی در اقتصاد ایران به پایین‌ترین سطح خود در ۳۶ سال گذشته رسیده است. این وضعیت بحرانی ریشه در سیاست‌های انقباضی پولی دولت و عدم تناسب رشد نقدینگی با رشد اسمی تولید ناخالص داخلی دارد.(نمودار)

زمانی که نرخ تورم بالاست و در عین حال رشد نقدینگی

کمتر از رشد اسمی اقتصاد است، در واقع مقدار پول حقیقی

موجود در اقتصاد کاهش می‌یابد. این کاهش، پیامدهای

گسترده‌ای بر تمام بخش‌های اقتصادی دارد.

■ **تأثیر بر بخش تولید: اشتغال ناقص عوامل تولید**

کمبود نقدینگی حقیقی در درجه اول تولیدکنندگان

را تحت فشار قرار می‌دهد. بسیاری از واحدهای تولیدی با

وجود داشتن امکانات و ظرفیت‌های تولید، قادر به فعالیت

کامل نیستند. این پدیده که در اقتصاد «اشتغال ناقص عوامل

تولید» نامیده می‌شود، زمانی رخ می‌دهد که تولیدکنندگان

به دلیل کمبود سرمایه در گردش نمی‌توانند از تمام ظرفیت

تولیدی خود استفاده کنند.

بر اساس گزارش‌های اتاق بازرگانی، تولیدکنندگان در حال

حاضر با ۳ مشکل اصلی مواجهند که یکی از مهم‌ترین آنها

دسترسی دشوار به نقدینگی و منابع مالی است. این کمبود

نقدینگی مانع تأمین مواد اولیه، پرداخت حقوق کارگران و

سرمایه‌گذاری در بهسازی تجهیزات تولیدی می‌شود.

در چنین شرایطی، تولیدکنندگان برای تأمین نقدینگی

مجبور به مراجعه به بازار غیررسمی پول می‌شوند که در آن

نرخ بهره به مرزهای غیرقابل تحمل ۸۰ درصد نیز می‌رسد.

